

گسترش تشیع در جامعه الجزایر

* نویسنده: عبدالمالک حداد

چکیده:

اخیراً در چند کشور عربی (الجزایر، مراکش، مصر، سودان، اردن و...) فریادهایی بلند شده که در مورد انتشار پدیده تشیع و گسترش آن هشدار می دهد. چندین روزنامه و مجله عربی که به این موضوع اهتمام دارند، یادآوری کرده اند که الجزایر از کشورهایی است که در آن «مذهب شیعی به ویژه در سال های اخیر، در بخش های گسترده ای از جامعه الجزایر- که اغلب آنها سنی هستند- ف به طور پنهان گسترش می یابد. این مقاله به بررسی وضعیت تشیع در الجزایر از منظر یک نویسنده عرب می پردازد.

اخیراً در چند کشور عربی- الجزایر، مراکش، مصر، سودان، اردن و...- فریادهایی بلند شده که در مورد انتشار پدیده تشیع و گسترش آن هشدار می دهد. چندین روزنامه و مجله عربی که به این موضوع اهتمام دارند، یادآوری کرده اند که الجزایر از کشورهایی است که در آن «مذهب شیعی به ویژه در سال های اخیر، در بخش های گسترده ای از جامعه الجزایر- که اغلب آنها سنی هستند- به طور پنهان گسترش می یابد.»

با این حال ، این مسأله هنوز به طور رسمی مطرح نیست، چرا که به جز نوشته های محدود رسانه ها- روزنامه ها- و تبیین موضوع از سوی برخی پایگاه های خبری در اینترنت، تاکنون هیچ موضعی که بیانگر این مسأله باشد و به این موضوع بپردازد، اتخاذ نشده است. ... اما به دلیل محدود بودن خوانندگان این پایگاه ها، بیشتر جامعه الجزایر نمی توانند از موضوع آگاه شوند.(چون اینترنت در الجزایر محدود به گروه های بسیار اندکی از جامعه الجزایر است؛ به طوری که تنها برای ۲۴٪ از ساکنان الجزایر امکان اتصال به اینترنت وجود دارد، درحالی که تنها هشتصد هزار تن از ساکنان از این فناوری استفاده می کنند که از این میزان نیز تنها ۵۰۰ هزار تن به طور منظم از اینترنت استفاده می کنند.) درحالی که روزنامه های مکتوب، که تیراژ بالایی دارند، می توانند

همه را آگاه کنند، اما این روزنامه ها از ورود به این حیطة طفره می روند. درباره این مسأله چند تفسیر وجود دارد: گروهی می گویند که آزادی عقیده، امری است که قانون اساسی این کشور به آن رسمیت داده است و حکومت وارد حیطة باورها و مذاهب مردم نمی شود.

برخی دیگر نیز معتقدند طبیعت مردم الجزایر و اهل تسامح بودن و توان همزیستی با یکدیگر موجب شده آنان با چشم پوشی از نوع مذهب و اعتقادات در کنار یکدیگر زندگی کنند. اما گروهی نیز معتقدند که علت سکوت رسمی در برابر گسترش تشیع در الجزایر، روابط حسنه میان ایران و الجزایر می باشد که در سال های اخیر بسیار محکم شده است.

شمار شیعیان الجزایر و میزان گسترش آنان

درباره شمار شیعیان الجزایر آمار و ارقام رسمی وجود ندارد. صاحب نظران بر این باورند که حضور شیعیان در این کشور هنوز حالت غیر رسمی و آرامی را دنبال می کند. برخلاف برخی از کشورها که حضور شیعیان به طور رسمی ثبت شده است. به عنوان مثال در مراکش دست کم سه جمعیت فرهنگی شیعی به طور مشخص کار می کنند که عبارتند از «الغدییر»، «البصائر» و «التواصل».

با توجه به حضور آرام و غیر رسمی شیعیان در الجزایر، می توان آنان را در برخی شهرها و ایالت ها مانند الجزیره پایتخت این کشور و باتنه، تبسه، خنشله، تیارت، سیدی بلعباس مشاهده کرد. علاوه بر این، چند پایگاه اینترنتی شیعی فعالیت دارند. بزرگترین آنها پایگاه «مرکز الابحاث العقائديه» می باشد. هم چنین « شبکه شیعه الجزائر» وجود دارد که شعار خود را « من المدرسه المصاليه إلى المدرسه الخمينيه^۱ » قرار داده است. در گزارش هایی که این پایگاه های الکترونیکی منتشر کرده اند، گفته می شود که با انتقال مذهب شیعه به این کشور از سوی مدرسان و فعالانی که از عراق، سوریه و لبنان به الجزایر آمده اند، این مذهب در بخش های گسترده ای از جامعه الجزایر به طور پنهان گسترش می یابد. مدیر کل «شبكة شیعة الجزایر» که خود را محمد عامری-۳۰ساله- معرفی می کند، معتقد است که: « استبصار(گرویدن به تشیع) در الجزایر به شکر خداوند ادامه دارد و استبصار در تمامی نقاط الجزایر گسترده شده است و این گسترش از راه انتقال مذهب در تمامی طبقات اجتماعی صورت گرفته است. در گذشته این مذهب میان جوانان رواج داشت، اما امروز به برکت حضرت صاحب

^۱ از مکتب مصالی به سوی مکتب خمینی

الزمان (علیه السلام)، همه اعضای یک خانواده شیعه شده اند. شنیده ام که بزرگترین فردی که شیعه شده ۶۹ سال دارد...».

مدیر کل شبکه شیعه الجزایر، از گسترش شیعه در الجزایر هیچ آمار و یا ارقام رسمی در اختیار ندارد. وی می گوید «آمارهای جدیدی در این رابطه وجود ندارد، حتی اگر چنین آماری وجود داشته باشد، سری و محرمانه باقی می ماند و به دلایلی که مجال تبیین آن نیست، این آمار ارائه نمی شود.» اما برخی از ناظران معتقدند که شمار شیعیان در این کشور به صدها تن می رسد که در اکثر شهرهای این کشور پراکنده اند. این، درحالیست که شمار شیعیان در اواخر دهه هفتاد و آغاز دهه هشتاد قرن گذشته میلادی از دهها نفر فراتر نمی رفت. شیعیان مناسک و شعایر دینی خود را با آزادی کامل برگزار می کنند، مانند ساختن حسینیه ها و برگزاری مراسم عزاداری از اول محرم تا روز دهم این ماه. آنان در این رابطه با هیچ مانع و مشکلی روبه رو نمی شوند.

دکتر محمد بن بریکه، مسئول ارشد هماهنگی طریقه قادریه در الجزایر و کل افریقا، در سخنرانی خود با عنوان «درو فرهنگی» درباره تأسیس شیعه و تشیع معتقد است که نبود مرجعیت دینی و ضعف مصونیت فرهنگی الجزایر موجب خواهد شد گسترش تشیع و نفوذ آن در الجزایر به عنوان کشوری سنی به راحتی انجام شود. «چراکه شیعیان در حال حاضر در الجزایر حضور دارند و شمار آنان نزدیک به سیصد نفر می باشد.»

از سوی دیگر، فرید مسعودی، از پژوهشگران الجزایری تأکید می کند که گسترش مذهب تشیع در الجزایر در درجه اول مسأله‌ای ذاتی است، چون ابزارهای تبلیغاتی مورد استفاده، به علت مشکلاتی که ناشی از میزان قابلیت محیط برای پذیرش این نوع اندیشه می باشد، شیوه گسترش پنهان را دنبال می کنند. به عبارت دیگر، این مسأله شاید به سطح یک پدیده اجتماعی نرسد.

اما ناظران بر این باورند که به دلیل فعالیت مبلغان فعال که بیشتر آنان در مؤسسه‌ای تربیتی حضور دارند، تشیع گسترش می‌یابد. هم‌چنین منابع شیعی متداول، مانند مجلات، نشریات و کتابها عامل این گسترش می باشند. برجسته ترین کتاب های شیعی عبارتند از: مرآه الأنوار، مشکاه الأسرار، تفسیر العسکری، مجمع البیان، تفسیر الکاشی، تفسیر العلوی و مجمع البیان و بسیاری منابع شیعی دیگر که در برخی مساجد

و میان عموم نمازگزاران به یکدیگر داده می شد، چرا که بسیاری از خوانندگان این کتاب‌ها از خطر و حقیقت کتاب‌هایی که می خوانند، آگاه نیستند.

علاوه بر عامل فوق، حضور اقلیت های مهاجر شیعی از عراق، سوریه و لبنان مقیم الجزایر، در گسترش این مذهب میان مردم الجزایر نقش ایفا کرده‌اند. عامری نیز به این عامل اشاره می کند: «برادران عراقی، سوری و لبنانی ما هنگامی که در الجزایر به عنوان استاد و مدرس حضور داشتند، در تبلیغ این مذهب نقش ایفا کردند و زمینه های پذیرش ولایت محمد و خاندان او (علیهم السلام) را ایجاد کردند. با به روی کار آمدن انقلاب مبارک جمهوری اسلامی ایران، می بینیم که خط و مکتب امام خمینی در الجزایر زمینه ای حاصلخیز برای ایجاد فعالیت پیدا کرد.»

شیعیان الجزایر معتقدند که مذهب اهل بیت برای مردم این سرزمین امر غریبی نیست و ریشه های این مذهب در الجزایر به هزاران سال قبل بر می گردد، زیرا آمازیغ ها (بربرهایی که اولین ساکنان الجزایر بودند) در اصل شیعه بوده اند. به همین رو بربر ها در الجزایر «به اهل بیت محبت فراوانی ابراز می کردند و به خاطر آنان به ویژه در زمان شهادت امام حسین (علیه السلام) انقلاب هایی را نیز به راه انداخته اند. آنان اولین کسانی بودند که در خانه های خود و دل های خود را به سوی فاطمیون گشودند و در کنار آنان جنگیدند...».

خانم جیراوس، که یک جوان بربر تبار و از اعضای شبکه شیعه الجزایر می باشد، مثال‌های متعددی را بیان می کند تا ثابت کند مذهب آمازیغ، تشیع بوده است. مثال‌های وی چنین است:

- برخی از مناطق آمازیغ نشین، گوشت خرگوش را نمی خورند، اما علتش را نمی دانند. مشخص است که گوشت خرگوش از نظر ما شیعیان حرام است.

- در روز عاشورا، آمازیغ ها دست از کار می شویند و می گویند کار کردن در چنین روزی نحس است و آنچه که در این روز به دست بیاید، بی برکت خواهد بود.

- در روز عاشورا مرغ و یا پرنده ای را ذبح می کنند. آنچه مهم است این که ریختن خون در این روز کار مهمی است چرا که این امر مبارک است. اما آنان نمی دانند که این خون‌ها، یادمان و نماد خون امام حسین (علیه السلام) و یارانش می باشد که در کربلا به شهادت رسیده اند.

- هیچ آمازیگی را نمی بینی که نامش ابوبکر، عمر و یا عایشه و... باشد. اما در میان آنان نام سید علی و سید احمد را بسیار می بینی. لقب سید را تنها بر سر نام های علی و احمد می آورند که احمد نیز همان محمد می باشد.

- امازیغ‌ها هنگامی که می‌خواهند نام فاطمه را بر زبان بیاورند، می‌گویند «للا فاطمه» یعنی سیده فاطمه. اما بر سر نام عایشه چنین لقبی را نمی‌آورند.

هم‌چنین مذهب شیعه در دوره حکومت رستمیه (۷۷۶-۹۰۸ م) در الجزایر به طور جدی حضور داشت. رستمیه توسط اباضی‌ها پایه‌گذاری شد و «تیهرت»- نام کنونی آن تیارت می‌باشد- را پایتخت و مهد فرهنگ و اندیشه خود در شمال افریقا قرار دادند. هنگامی مبلغ شیعی و بنیان‌گذار فاطمی‌ها، ابو عبیدالله شیعی حکومت رستمیه را در سال ۹۰۸ میلادی سرنگون کرد، اباضی‌ها به سمت جنوب الجزایر حرکت کردند و در منطقه «وادی میزاب» (گردایه) مستقر شدند.

در کنار حکومت رستمیه، دولت دیگری نیز در جنوب غربی الجزایر و جنوب مراکش وجود داشت که سچلماسه (یا دوله المداریه) (۷۵۸ - ۹۰۹ م) نام گرفت. این حکومت نیز مانند رستمیه توسط شیعیان پایه‌گذاری شد، اما مذهب صفری داشت که فاطمیون این دولت را نیز از بین بردند.

با روی کار آمدن فاطمیون (۹۱۰ - ۹۷۳ م) تشیع فاطمیون، یعنی اسماعیلیه باطنیه در الجزایر و دیگر مناطق مغرب عربی^۱ گسترش یافت. اما شیعیان پس از دوران فاطمی‌ها منقرض شدند و از آنان اثری نماند و از آنان یاد نمی‌شد تا این‌که در پایان دهه هفتاد میلادی، تشیع با ظهور خمینی و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بار دیگر به صورت شیعه امامیه اثنا عشری جعفری ظهور کرد.

رابطه شیعیان الجزایر با مسائل ملی

شیعیان در الجزایر هیچ‌گونه فعالیت رسمی ندارند که بتوان از طریق آن با مواضع و دیدگاه‌هایشان در مورد امور ملی و میهنی آشنا شد. به همین دلیل، یافتن پاسخ این پرسش با مشکلاتی روبه‌روست. چراکه روزنامه‌ای ندارند تا سخنگوی آنان باشد. همچنین مسجد و یا حسینیه‌ای نیز برای آنها نیست. اما اخیراً چند پایگاه الکترونیکی در اینترنت فعال شده که تربیون آنان می‌باشد و از حضور آنان سخن می‌گوید. در این پایگاه‌های اینترنتی آرا و دیدگاه‌هایشان مطرح می‌گردد، اما در امور کشور دخالتی

^۱ این منطقه شامل کشورهای مراکش، تونس و الجزایر می‌باشد.

نمی‌کنند، چرا که به ادعای خودشان، مأموریتی بزرگ‌تر و والاتر دارند و آن، خیرخواهی و کشف حقیقت می‌باشد... .

محمد عامری، مدیر کل شبکه شیعه الجزایر معتقد است: «ما به حمد خداوند هیچ مشکلی با نظام کنونی نداریم. شیعیان تاکنون به هیچ یک از مواد قانون اساسی و یا نمادهای حکومت تعرض نکرده‌اند، هرچند به رفتارهای برخی که خود را فراتر از قانون می‌دانند، ملاحظاتی داریم. اما به هر حال این افراد برای ما مشکل آفرین نیستند، بلکه بدون این که خود بفهمند، موجب افزایش گسترش شیعه می‌شوند. زیرا جریان مظلوم، دیر یا زود پیروز می‌شود.»

عامری تصریح می‌کند که تشیع در الجزایر با هیچ مانعی روبه‌رو نیست. علتش را نیز نبود هیچ‌گونه مخالفت اصولی با گسترش تشیع از سوی مقامات حکومتی می‌داند. وی در این باره به ماده ۶۱ قانون اساسی الجزایر اشاره می‌کند که تصریح می‌کند: «ملت در انتخاب باورها و اعتقادات خود آزادند.»

عاملی می‌گوید که مشکلات کنونی شیعه در الجزایر محدود به سیستم تربیتی الجزایر می‌باشد، چراکه آنان «برنامه‌های تحصیلی وزارت آموزش و پرورش الجزایر را بر نمی‌تابند.»!

تصمیم اخیر وزیر تربیت ملی الجزایر ابوبکر بن بوزید مبنی بر ممانعت از فعالیت یازده مدرس شیعی در مدارس این کشور بیانگر میزان نفوذ شیعیان در مدارس الجزایر می‌باشد و در عین حال علت عصبانیت و نارضایتی آقای عامری از نظام تربیتی تحت اشراف این وزارتخانه را بیان می‌کند.

اما عامری فراموش کرده که این وزارتخانه اقدام به انتقال تبعید شدگان به دستگاه‌ها یا پست‌های اداری کرد. هدف از این اقدام، حفظ محافل آموزشی و مدارس در برابر تأثیر مستقیم شیعیان بر دانش آموزان مؤسسه‌های تربیتی بود. هم‌چنین وی می‌خواست مدارس الجزایر از نزاع‌ها و گرایش‌ها (احزاب سیاسی و یا مذاهب دینی) دور بمانند.

تصمیم وزارت تربیت ملی الجزایر هنگامی اتخاذ شد که جمعی از اولیای دانش آموزان در شهر «الشریعه» (ایالت تبسه) به مقامات ذیربط مراجعه کردند و از آنان خواستند به طور قاطعانه با خطر گسترش شیعه در برخی سازمان‌های تربیتی مبارزه کنند. در نامه‌ای که از سوی برخی از اولیای دانش آموزان امضا شده بود، تأکید شده بود که برخی استادان اقدام به ترویج باورها و رویکردهای شیعی اقدام می‌کنند که اساس این

باورها تقدیس اهل بیت «علیهم السلام» و مخدوش کردن برخی صحابه و ناسزاگویی به آنان می‌باشد.

در منطقه بئر مقدم که با شهر الشریعه فاصله چندانی ندارد، مدیریت امور تربیتی اخیراً کمیته ای را برای تحقیق در یکی از مدارس متوسطه این شهر اعزام کرده تا به شکایت مدیر مدرسه رسیدگی کند. در این شکوائیه آمده که یکی از مدرسان در کلاس خود یکی از صحابه بزرگوار را در برابر دانش آموزان خود لعن و ناسزا گفته است. این دانش آموزان نیز مسأله را به خانواده خود اطلاع داده‌اند و اولیای دانش آموزان نیز واکنش جدی نشان داده و این قضیه ابعاد و بازخوردهای چندی را به همراه داشته است، به طوری که حتی مسئولان منطقه نیز مسأله را پیگیری کرده اند. هرچند طرف های مختلفی تلاش کردند با عذرخواهی این مدرس در برابر دانش آموزان و اولیای آنها نسبت به گفتار خود، این موضوع را خاتمه دهند، اما برخی، هم‌چنان از این رفتارها بیمناک بوده و نگرانند که این رفتارها آغاز احیای دعوت شیعی باشد. به ویژه این که اطلاعاتی وجود دارد که تأکید می کند عناصر شیعی در مناطق بئر مقدم و الشریعه و تبسه، حضور دارند. حتی برخی از آنان از آشکار کردن فعالیت خود نیز خودداری نمی کنند و برخی از آنان نیز برای پیشگیری از بروز مشکل، روشی را در پیش می‌گیرند که شیعیان از آن به «تقیه» یاد می‌کنند.

نحوه گرویدن به تشیع

نوشته های بعضی از شیعیان الجزایر در شبکه اینترنت، بیانگر نحوه گرویدن آنان به مذهب شیعی از مذهب سنی (مالکی) می باشد.

آشکار است که ورود مردم الجزایر به مذهب شیعه از روابط آنان با نزدیکان و دوستانشان، تماس با شیعیان مقیم این کشور و یا مسافران شیعی ناشی می شود. هم‌چنانکه در پرتو خلأ معنوی و فقر گفتمان که در پی ده سال خونین بروز کرد و نیز پخش شبکه های ماهواره ای شیعی نقش مراجع و کتب شیعی نیز در پذیرش اندیشه تشیع تأثیری بسزا دارند. بسیاری از جوانان از مبارزه حزب الله لبنان تأثیر گرفتند و مذهب خود را تغییر دادند تا بتوانند به صفوف حزب الله بپیوندند و یا در مبارزه مسلحانه برضد رژیم صهیونیستی مشارکت کنند.

به گفته فرید مسعودی از دیگر علل گرویدن برخی از مردم الجزایر به تشیع، ازدواج موقت می باشد، به طوری که در نشستی که با یک جوان شیعی الجزایری داشته مشخص می شود که وی به ازدواج موقت اقدام کرده است!!!؟

شایان توجه است که اکثر این افراد پس از استبصار و گرویدن به تشیع و پذیرش مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، به مذهب تسنن به دیده نامناسبی می نگرند و نگاه آنان خالی از تمسخر و بی احترامی به مذهب سنی نیست.

روابط با ایران

عده‌ای که در کشورهای عربی درباره گسترش شیعه هشدار می دهند، بدون هراس اعلام می کنند که پشت این پدیده، طرح سلطه طلبی و نفوذ خواهی ایران قرار دارد و بیانگر نفوذ و خطر پروژه ایران در منطقه می باشد.

اما در برابر، برخی اهمیت نقش ایران را چندان مهم قلمداد نمی کنند و این نگاه ها را مبالغه آمیز می دانند. این گروه معتقدند که جهان اسلام به تفاهم و همبستگی نیاز دارد و این اتهام ها در آخرین مرتبه اهمیت قرار دارد.

در الجزایر، شیخ عبدالرحمن شیبان رئیس جمعیت علمای مسلمان الجزایر از برجسته‌ترین شخصیت های اسلامی است که از عربیت و اسلام الجزایری حمایت می کند. وی در گفتگوی اختصاصی با قدس پرس می‌گوید: «موج تشیع به طور آشکار در الجزایر وجود دارد» وی ادامه می دهد: «در الجزایر جریان ها و مدارس فکری مختلفی وجود دارد که برخی سلفی، برخی لائیک و برخی مسیحی و... می باشند، اما بیشتر آنها سنی و مالکی‌اند.»

شیخ شیبان با انتقاد شدید از کسانی که می‌کوشند اختلاف میان شیعه و سنی را تعمیق کنند، یادآوری می کند که: «خدا این فتنه ها را نخواهد بخشید، ما اختلافات را با روح تقریب خواهی حل می کنیم. چرا که مسلمانان به دلیل اعتقاداتند، دچار اختلاف و به همین دلیل، خوار و شکست خورده شده اند. « وی تأکید می کند: «قدرت با عزت محقق می شود و عزت با وحدت». وی خواستار تأکید بر مسلمات و امور ثابتی است که همه بر آنها اتفاق نظر دارند و از نظر این عالم برجسته برای تحقق این امر باید اعتبار گذشته به علما بازگردد. وی در این راستا می گوید: «از علما می خواهیم که ایفای نقش نمایند و از حاکمان می خواهیم علما را به حاشیه نرانند.»

وزیر اوقاف و امور دینی الجزایر، ابوعبدالله غلام الله نیز وجود خطر شیعی را در این کشور تکذیب کرده بود و خواستار پرهیز از آنچه که وی «جنجال رسانه ای» می نامد،

شد. وی معتقد بود که این موضوع تنها همبستگی و همدلی با حزب الله یا ایران است و بیش از این نیست.

اما برخی معتقدند که ایران در حمایت از تشیع در الجزایر نقش دارد که این حمایت در اساس خود، معنوی بوده و از راه تهیه کتاب‌ها و منابع اصلی شیعی و فراهم کردن امکانات برای ادامه تحصیل در حوزه‌های علمیه و... انجام می‌شود. این گروه برای ادعای خود دلایلی را بیان می‌کنند که از جمله آنها یافتن کتاب‌های شیعی نزد برخی از دانش‌آموزان دوره دبیرستان و دانشجویان دانشگاه‌ها و نیز وجود برخی از الجزایری‌ها در حوزه‌های علمیه قم و سوریه می‌باشد، که برخی از این طلاب اخیراً به الجزایر بازگشته‌اند.

حتی برخی فراتر از این مرحله رفته‌اند، عبدالرحمن سعیدی از نمایندگان پارلمان الجزایر و عضو جنبش «جامعه صلح» و نائب رئیس این جنبش در گفتگو با الشرق الاوسط از وجود گروهی جدید التأسیس با عنوان حزب الله در مغرب عربی خبر می‌دهد که این گروه توسط یک شیعه مراکشی مقیم آلمان رهبری می‌شود. وی می‌گوید: «گروهی فکری در بیرون از الجزایر برای فراهم کردن پایه‌های یک حزب در منطقه مغرب عربی فعالیت می‌کند.» وی در این راستا به اقامت فردی در شرق الجزایر که همسر لبنانی دارد و در محافل شیعی خارج از الجزایر نفوذ دارد، اشاره می‌کند. به گفته این مقام الجزایری، گفته می‌شود این فرد از بزرگان شیعه در منطقه مغرب می‌باشد. وی می‌افزاید اطلاعاتی درست در اختیار دارد که نشان می‌دهد «در یک کشور غربی و سرزمین شام برای پروژه حزب الله مغربی اقدامات تمهیدی صورت می‌گیرد.»

شیخ یوسف قرضاوی در مورد توسعه نفوذ شیعیان در حاشیه اجلاس کنفرانس پنجم قدس در الجزایر تأکید می‌کند که الجزایر از کشورهای سنی می‌باشد که در کنار دیگر کشورهای عربی: مغرب، لیبی، سودان، مصر و... هدف قرار گرفته است. وی به رهبران شیعی در مورد زمینه‌سازی برای گسترش مذهب خود به پایگاه‌های اهل سنت هشدار می‌دهد. وی یادآور می‌شود «اگر این مسأله رخ دهد، آرام نخواهم نشست و به یاری سنت رسول خدا و حقایق برخوادم خاست.» اما این امر، بروز تنش میان پیروان مذاهب

اسلامی را به دنبال خواهد داشت که شیخ یوسف قرضاوی به دنبال آن نیست، چون هدف، وحدت کلمه امت اسلامی است. «اگر بخواهیم تفرقه را کنار بگذاریم و متحد شویم، بسازیم و خراب نکنیم، نباید اهل یک مذهب بر قواعد مذهب دیگر بتازد.» موضع شیخ یوسف قرضاوی در خلال جنگ اخیر لبنان آشکار بود؛ او گفت: «در جنگ لبنان در کنار نصرالله ایستادم و وی را یاری دادم. فتوای عربستان مبنی بر باطل بودن این جنگ شیعی را ردّ کردم. اما پس از جنگ در برابر تشیع ایستادم. چراکه دیدم آنان می خواهند از این موضع بهره برداری کنند.» این شخصیت برجسته فریاد برمی آورد که «الجزایر کشور مالکی مذهب است. به مذهب اهل سنت کاری نداشته باشید.»

محمد بن بریکه، مسئول ارشد هماهنگ کننده طریقه قادریه در الجزایر و کل افریقا معتقد است که باید مقامات الجزایری در تجدید منصب «مفتی الجمهوریه» بشتابند تا پیش از آن که «تشیع بعد از فتنه افراطی گری وهابیت و فتنه لائیک، گریبان گیر شود»، دستگاه «از پایه سست مصونیت فرهنگی» این کشور مورد حمایت قرار گیرد و به گفته وی مبارزه با نفوذ شیعه و گسترش آن آسان گردد. وی خطر تشیع را در پرتو سکوت عمومی در برابر این پدیده می داند که در درجه اول الجزایر را از نظر امنیتی تهدید می کند. وی ضمن بیان این که احزاب در تب انتخابات غرق شده اند و به وظایف خود عمل نمی کنند، از رسانه ها می خواهد این پدیده را دنبال نمایند.

شایان توجه است که دولت الجزایر در مارس ۱۹۹۳ به دنبال حمایت سیاسی و رسانه ای ایران از جبهه نجات اسلامی و متهم شدن ایران به دخالت در امور داخلی کشور الجزایر، روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. هم چنین الجزایر محافظت از منافع ایران در امریکا را متوقف کرد.

روابط دیپلماتیک میان دو کشور در سپتامبر ۲۰۰۰ به طور رسمی از سر گرفته شد و در اکتبر ۲۰۰۱ مبادله سفیر میان دو کشور انجام شد. در اکتبر ۲۰۰۳ بوتفلیقه رئیس جمهور الجزایر به ایران سفر کرد و نیز رئیس جمهور سابق ایران، حجت الاسلام خاتمی در اکتبر ۲۰۰۴ از الجزایر دیدار کرد. وی اولین رئیس جمهوری ایران از آغاز انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ میلادی بود که به این کشور سفر می کرد. ایران از سیاست آشتی ملی بوتفلیقه حمایت نمود.

نکات در خور توجه:

سخن از تشیع در الجزایر نباید موجب شکل گیری این باور شود که شیعیان یک طایفه ایجاد می کنند تا بحث بر سر طایفه گرایی در الجزایر مطرح شود. این مسأله در

الجزایر که وحدت و یکپارچگی میان یکایک ملت الجزایر و مخالفت آنها با هرگونه تفرقه دینی، نژادی، مذهبی، قبیله ای ، سیاسی و... مشهور می باشد، اساساً مطرح نیست. می‌دانیم که اگر به فرض ثابت شود که شمار فراوانی شیعه در الجزایر وجود دارد، بایدگفت که آنها نیز همچون دیگر اقلیت‌ها، مانند اقلیت مسیحی به طور آزادانه به مناسک و شعایر خود مبادرت می‌ورزند و هرگز برای بافت اجتماعی این کشور خطر و تهدید به شمار نمی‌آیند.